

روش های کلی دعوت پیامبر اسلام از دیدگاه قرآن

♦ فرزانه ثابت پور

۱۶۴ سوره ی آل عمران، خداوند بعثتش را متنی بزرگ بر انسان ها شمرده و در آیه ی ۴ سوره ی قلم، اخلاقی را بس عظیم دانسته است. در آیه ی ۱۲۸ سوره ی توبه، او را در مسیر هدایت آدمیان، دلسوز و حریص معرفی می فرماید. همان گونه که حق تعالی، او را ختم رسولان قرار داد، او تمام کننده ی رسالت هاست و کامل کننده ی فضیلت هاست. در سوره ی حجر، آیه ی ۷۲، خدای تعالی به جانش سوگند یاد می کند و می فرماید: «لَعَمْرُكَ أَنَّهُمْ لَنُنْفِئَنَّ سَكَرَتَهُمْ بِعَمَّهَوْنِ»: به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند. حضرت از حیث کمالات تبلیغی، جامع همه ی فضایل تبلیغی است: روحیه ی رحمت، صفت صفیاء شمه ی شفقت، خصلت خلوص و در وجود پریرکتش موج می زند. خاتمیت پیامبر اسلام (ص) در نبوت و رسالت، اتفاقی و برحسب تصادف نبوده، بلکه با توجه به لزوم هدایت بشر در همه ی زمان ها، امری کاملاً حساب شده است. این به معنای کمال و جامعیت رسالت آن بزرگوار است. اگر در پی کامل ترین مجموعه ی شرایع آسمانی باشیم، آن را در رسالت پیامبر

در قرآن با چهره های متنوع اسوه هایی آشنا می شویم که هر یک دارای صفات و شرایط ویژه ای بوده اند و روش های متفاوت تربیتی و تبلیغی را آزموده و برای هدایت مخاطبان به کار بسته اند. قرآن گاهی اسوه ی تمام عیار و همه جانبه ای چون رسول خدا (ص) را معرفی و توصیف می کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» [احزاب/۲۱]. گاهی نیز اسوه ای چند جانبه حاوی ویژگی های مطلوب در زندگی دنیوی و اخروی، مانند حضرت نوح و ابراهیم [ممتحنه/۴]، و زمانی اسوه ی یکجانبه یا یک بُعدی در زمینه ای خاص مانند: طالوت، اسوه ی فرماندهی [بقره/۲۴۷] را به ما می شناساند. گاهی از میان مردان اسوه ای معرفی می کند، مانند: ادریس و داود [مریم/۵۶]، و زمانی از میان زنان برجسته و تاریخ ساز [آل عمران/۴۲] نمونه ای ارائه می دهد.

سخن از خاتم انبیا، سرور رسولان و نگین انگشتی رسالت است. او اسوه ی اسوه های قرآن بوده و پیامبران و مصلحان، جملگی چشم به رسالتش دوخته و امید به نجات جهانیان به دست او داشته اند. در آیه ی

خاتم خواهیم یافت. برای دست یافتن به بهترین منظومه‌ی اخلاقی و عملی، و سعادت انسان‌ها و شفای بیماری‌های روحی، جز تمسک به اخلاق نبوی، راهی نداریم.

شیوه‌های تبلیغی پیامبر و روش دعوت ایشان، در آیات ۲۱۴ سوره شعراء (در خصوص خویشاوندان)، آیه‌ی ۴۴ سوره نمل (توضیح دادن برای مردم، آنچه به وی نازل شده است)، آیه‌ی ۱۵۷ سوره اعراف (برداشتن قید و بندها از دوش مردم) و آیه‌ی ۱۱۲ سوره هود (ایستادگی کردن، همان‌گونه که دستور یافته است) و... مشاهده می‌شود. آیاتی که دستورهای مستقیم وحی را در ارتباط با شیوه‌ی تبلیغ بازگو می‌کنند، در اکثر موارد با فعل «قُل» آغاز می‌شوند که برخی از آن‌ها عبارتند از: آیات ۱ و ۲ سوره کافرون (در مورد کافران)، آیه‌ی ۱۱۱ سوره بقره (دلیل آوردن) آیات ۷۱ و ۱۵۱ سوره انعام (در خصوص حرام نمودن؟! و سود رساندن پرستش خداوند)، آیه‌ی ۲۹ سوره اعراف (عدالت‌ورزی خداوند) و آیه‌ی ۳۰ سوره نور (پاکدامنی و چشم فرو بستن از نامحرم).

در یک تقسیم‌بندی، روش‌های کلی دعوت پیامبر را به عنوان راهبردها و راهکارهای اساسی، می‌توان به ده محور تقسیم کرد:

۱. بیان صریح عقاید و مواضع: حضرت هیچ‌گاه از اظهار عقیده‌ی خویش در برابر مشرکان باز نماند.

چند محور عملی در این زمینه با توجه به قرآن عبارتند از:

- اعتقادات قلبی خود را در این آیات برای مشرکان ابراز کرد: آیه‌ی ۳۰ سوره رعد (توکل کردن بر خداوند را ابراز می‌دارد)، آیه‌ی ۳۶ سوره رعد (مأمور پرستش خداوند بودن و شرک نورزیدن را بیان می‌دارد)، آیات ۴-۱ سوره کافرون (نپرستیدن خدایان، کافران را ابراز می‌نماید)، آیه‌ی ۱۴ سوره زمر (بی‌آلایش نمودن دین برای خدا را اعلام می‌کند)، و آیه‌ی ۱۹۶ سوره زمر (شبیبه‌بندگان بودن خدایان کافران را مطرح می‌کند و دوستداری شایستگان خداوند را بیان می‌دارد).

- سازش ناپذیری داشتن و عدم نرمش در اصول، از سوی حضرت که در این آیات آمده است: (آیه‌ی ۱۴ سوره انعام) (مأمور بودن پیامبر نخستین اسلام آورنده)، و آیه‌ی ۹، سوره قلم (فرمان نبران دروغ‌پرداز، می‌خواهند نرمی کنی تا نرمی کنند)

- بیزاری و برائت از شرک، که تجلی آن را در آیات اعتقادی صریح که از زبان پیامبر توسط جملات سوره «کافرون» بیان شده است، می‌توان دید. با نزدیک شدن به پایان سوره، لحن آن شدیدتر می‌شود و با استدلال خدشه‌ناپذیر عقلی و فطری، از اعتقاد شرک‌آلود مخاطبان لجوج بیزاری می‌جوید که در این آیات مشاهده می‌شود: آیه‌ی ۱۹، سوره انعام (برتری خداوند و هشدار لجوجان و بیزاری از شرک)، آیه‌ی ۲، سوره

توبه (عدم تعهد خداوند و پیامبرش در برابر مشرکان و بیزاری از آن‌ها)، آیات ۲۱۴ تا ۲۱۶ سوره شعراء هشدار به خویشان پیامبر و گستراندن بال برای مؤمنانی که پیامبر را پیروی می‌کنند)، آیه‌ی ۹۱ سوره انعام (به بازی سرگرم شدن باطلان در ژرفای باطل خود)، و آیه‌ی ۳۵ سوره هود (بیزاری جستن از نسبت‌های ناروا).

○ دعوت بر اساس علم و آگاهی و بصیرت: در دعوت پیامبران الهی، از جهل و غفلت و عوام‌فریبی اثری نیست و هرچه هست، بر پایه‌ی آگاهی، علم و بصیرت باطنی بنا شده است. در آیه‌ی ۱۰۸ سوره یوسف می‌فرماید: «این است راه من، و من پیروانم را با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنم.» پایه‌های دعوت در این محور از دیدگاه قرآن عبارتند از:

- استدلال از طریق بیدار کردن فطرت پاک آدمی و منطق. [ابراهیم/۱۰].

- تردید نداشتن در وجود آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین که در این آیات مشاهده می‌شود: آیه‌ی ۷۳ سوره حج (از استواری و متقن بودن نظام آسمان و زمین و تباهی هستی در صورت وجود خدایان متعدد) آیه‌ی ۲۲ سوره انبیاء (اگر در آسمان‌ها و زمین خدایانی جز الله بودند، جهان به تباهی کشیده می‌شد)، آیه‌ی ۴۲ سوره اسرا (اگر خدایان دیگری می‌بودند، در صدد جستن راهی به سوی عرش الهی برمی‌آمدند)، آیه‌ی ۷۶ سوره مائده (نپرستیدن غیر خدا

که سود و زبانی برای انسان ندارد) آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی انعام (نپذیرفتن سرپرستی جز خدا)، آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی نمل (دلیل آوردن را برای معبودی جز الله می‌طلبید)، و آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی یونس (بگو: آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟) دعوت به بررسی بی طرفانه‌ی موضوعات دشمنان انبیا، به سبب نداشتن پشتوانه‌ی استدلالی استوار هنگام مواجهه با داعیان حق، به مجادله متوسل می‌شوند. اما صاحبان دعوت‌های الهی، مخاطبان را به تفکر و بررسی بی طرفانه و علمی موضوع فرامی‌خوانند. نمونه‌ی این برخورد را در آیات تحدی قرآن که از زبان پیامبر به مخالفان ابلاغ شده است، در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی بقره، و آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی سبأ می‌توان دید.

- تردید افکنی در میان مخالفان. پیامبر گرامی اسلام در مواضع متعدد این شیوه را تجربه کرده و با القای شک و تردید، عقاید مخالفان را مورد هجوم قرار داده است: آیه‌ی سبأ سوره‌ی ۲۴، و آیه‌ی ۱۴۰ سوره‌ی بقره.

- دعوت به مشترکات. پیامبر اعظم از هر راه ممکن تلاش می‌کرد، فاصله‌ی میان دل‌ها و عقل‌ها را به حداقل برساند. ایشان در مواجهه با یهود و نصارا و حتی مشرکان، بر عقاید صحیح و قابل قبولشان تأکید می‌کرد. در سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴ می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب

بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم...» در سوره‌ی عنکبوت آیه‌ی ۲۶ نیز می‌فرماید: «با اهل کتاب جز با شیوه‌ای که بهتر است، مجادله نکنید؛ مگر با کسانی از آنان که ستم کردند...»

○ ابتکار عمل در دعوت: از جمله راهکارهای اساسی تبلیغ پیامبر اعظم (ص)، فعالیت پیگیر و ابتکار عمل مداوم با بهره‌گیری از روحیه‌ی شاد و فعال و با روی گشاده و پذیرای همگان، در امر تبلیغ با وسعت‌های متفاوت است. آیه‌ی ۶ سوره‌ی کهف، آیات ۱ و ۲ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۶ سوره‌ی شوری، آیات ۲۱ و ۲۲ سوره‌ی غاشیه، و آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی قصص، پیامبر را از تلاش بیش از حد وظیفه و توانش منع می‌کنند. در باب ابتکار عمل تبلیغی پیامبر، شیوه‌های عملی و جزئی متعددی وجود دارند که برخی عبارتند از:

- ارتباط‌ها و تماس‌های فردی را به منظور دعوت و به عنوان فرصت‌های تبلیغی، غنیمت می‌شمرد.

- مراجعه به قبایل و تیره‌های مختلف عرب و فراخوانی آنان به آئین اسلام، با منطق شیوا و منش چشمگیر و جذاب.

- استقبال و پذیرایی صمیمانه از هیأت‌هایی که از مناطق گوناگون، برای شناخت عقاید پیامبر به حضور آن حضرت می‌رسیدند.

- توجه به طبقات مختلف جامعه، به ویژه ضعفا و جوانان.

- اعزام مبلغ به شهرها و قبایل
- ارسال نامه‌ی دعوت به رؤسا و پادشاهان.

○ پرهیز شخص پیامبر از کذب و باطل و پای بندی به حقیقت: این راهبرد را در جلوه‌های گوناگون و شیوه‌های زیر مشاهده می‌کنیم:

- تعیین محدوددهی و وظایف و اختیارات خود و پیشگیری از خلط حق و باطل و آمیختن حقیقت و مصلحت. بر این اساس، پیامبر اعظم به عنوان بالاترین اسوه‌ی الهی از جانب خداوند مأموریت می‌یابد، خود را معرفی کند و در آیه‌ی ۶ سوره‌ی فصلت و آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی اسراء، بشر بودن خود را بیان می‌نماید. این آیات نیز گواه همین مدعا هستند: آیات ۲۳-۲۰ سوره‌ی جن، آیه‌ی ۲۰۳ سوره‌ی اعراف، آیات ۹۲-۹۱ سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی حج.

- پرهیز از وعده‌های بی اساس. مبارزه با عوامفریبی و سنت‌های غلط و تأیید و تصدیق رسالت‌های پیشین شامل: (انعام/۱۶۱، آل عمران/۸۱ و ۹۵، و مائده/۴۸).

○ بشارت و انداز: خداوند وجود مبارک پیامبر اعظم را نشانه‌ی قیام قیامت، مژده‌دهنده‌ی بهشت و هشداردهنده به عذاب (نهج البلاغه/ خطبه‌ی ۱۶۰) قرار داد. برخی از آیاتی که پیامبر را به عنوان مژده‌دهنده و بیم‌دهنده برای مردم بیان می‌کنند، عبارتند از: آیه‌ی ۹ سوره‌ی تغابن، آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۱۳۳ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی

مریم و آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور (بشارت و مؤذنه به مشرکان برای پذیرش اسلام)، آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی یونس و آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی انعام. (انذار و هشدار به مشرکان).

○ مرحله‌بندی تبلیغ و بهره‌برداری از فرصت‌ها و موقعیت‌های پیش‌آمده (از کوچک‌ترین فرصت، بزرگ‌ترین سود را می‌برد):

- زمان‌بندی مراحل مختلف دعوت، اعم از مخفی، انذار عشیره، آشکار و همگانی (حجر/ ۹۵-۹۴ و شعراء/ ۲۱۴).

- شروع دعوت از خانواده و نزدیکان (تحریم/ ۶).

- گسترش دعوت براساس شرایط.

- برپا کردن پایگاه‌های تبلیغی.

- استفاده از ابتکار هجرت که به کمک آن به همه‌ی مبلغان آموزش داد، چگونه در شرایط فشار و اختناق راهی به چشم‌اندازهای دعوت آزادانه بگشایند.

- مراجعه به قبایل گوناگون در موسم حج و درخواست از آنان برای گرویدن به حق و نیز گرفتن بیعت از یاران.

○ مدارا و نرمش در برخورد و

معاشرت: آیات ۲۱۴ و ۲۱۵ سوره‌ی شعراء، استفاده از دو شیوه‌ی متقابل سازش‌ناپذیری و نرمش و مدارا را بیان می‌کنند؛ از جمله:

- پاسخ آرام به شبهه‌ها و تهمت‌ها.

- آسان‌گیری در مسائل شخصی.

- ارتباط صمیمی با همگان.

- تحمل ایذای مشرکان و حتی

مسلمانان (حجر/ ۹۷، توبه/ ۶۱ و احزاب/ ۵۷).

○ ابراز محبت و جلب اعتماد:

زیرا می‌دانست میوه‌ی محبت سریع‌الوصول‌تر و سهل‌الوصول‌تر از هر میوه‌ای است (انبیاء/ ۱۰۷، توبه/ ۱۲۸ و کهف/ ۶) راه‌های ایشان برای جلب اعتماد عبارت بودند از:

- بخشش و دادن هدیه به افراد و قبایل.

- خوش‌بینی با مؤمنان (حجرات/ ۱۲).

- عفو و گذشت که شادمانی و انبساط روحی طولانی‌تری حاصل می‌کند (آل‌عمران/ ۱۵۹).

- مشورت با مؤمنان (آل‌عمران/ ۱۵۹).

- ترویج فرهنگ اخوت؛ زیرا جامعه‌ی اسلامی مانند پیکری واحد، نیازمند پیوند و همبستگی احزاب و عناصر خود است.

- مؤاسات و کمک به هر نحو ممکن؛ زیرا هر کس از او حاجتی خواست، از محضر او بازنگشت، مگر با حاجت برآورده شده. او حتی در حال نماز، حاجت‌نیازمندان را در نظر داشت و نماز را کوتاه می‌کرد و چون نیاز فرد را برآورده می‌کرد، به نماز بازمی‌گشت.

○ هماهنگی با مخاطبان در

معیشت: برای دلگرمی دیگران، و اسوه‌ی تمام عیار بودن، همانند سایر انسان‌ها زندگی می‌کرد و از هر گونه تعیین و تشخیص که موجب فاصله گرفتن مخاطبان از او شود خودداری می‌کرد؛ از جمله:

- ساده‌زیستی؛ روی حصیر

استراحت می‌کرد و خود شیر بز خانه را می‌دوشید و...

- پرهیز از تکلف و تشریفات، برای هماهنگی بیشتر با توده‌ی مردمی که مخاطب دعوت الهی انبیا هستند.

○ ادب و احترام به مردم: در

سوره‌ی ۸۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید، با مردم به زبان خوش سخن بگویند. یا در آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی طه، به موسی امر می‌کند، به سوی فرعون بروید که او

به سرکشی برخاسته و با او سخن نرم بگویند. پیامبر اعظم به کودکان و همه‌ی اقشار و طبقات مردم احترام می‌گذاشت، زیرا در منطق ایشان، هرکسی دارای حرمت و ارزش انسانی است و نمی‌توان به دلیل بی‌ایمانی،

کسی را مورد اهانت قرار داد. اما دلیل احترام پیامبر، علاوه بر این، ایجاد زمینه برای نفوذ در دل مخاطب و ابلاغ اصول ایمانی به او بود.

با توجه به امکان دستیابی به تاریخ و سیره‌ی درخشان نبی اعظم اسلامی از طریق منابع گوناگون، شیوه‌های تبلیغی آن حضرت بیش از سایر پیامبران قابل احصا و استقصاست.

منابع:

۱. عباس مقدم، مصطفی. اسوه‌های قرآنی. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. قم. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۲. ابن هشام. السیره النبویه. ج ۱. دارالمفرقه. بیروت. بی‌تا.
۳. مطهری، مرتضی. سیری در سیره‌ی نبوی. انتشارات صدرا. تهران. چاپ سوم. ۱۳۶۶.
۴. دلشاد، مصطفی. سیره‌ی نبوی. دفتر دوم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۷۲.
۵. دیلمی، احمد. اخلاق اسلامی. دفتر نشر و پخش معارف. چاپ سوم. ۱۳۸۰.